



درس‌لک آفتاب
مدتی مولایی

کتابخوانی در دیروز و امروز جهان اسلام!

«روزی که شاید در همه اروپا ۱۲ تن یافت نمی‌شدند که نوشتن و خواندن بدانند، در نیشابور ۱۲ هزار قلمدان مرصع، بیرون می‌آمدند تا یک حدیث را از زبان فرزند پیامبر(ص) بنویسند.» این جمله‌ای است که استاد محمدرضا حکیمی در کتاب «دانش مسلمین» گفته است و بسیاری تاریخ‌نگاران اروپایی خود بر این گزاره صحنه گذاشته و سمرسارانه تأییدش کرده‌اند. نمایشگاه‌های مختلف کتاب سالانه جهان اسلام از قاهره تا مسقط و این روزها در تهران، فرصتی دوباره است برای توجهی بیشتر به این سنت دیرینه اسلامی و بازبایی ارزش‌های مهم اسلامی در دانش‌گرایی و کتابخوانی | **صفحه ۳**

ویژه جوان

اصلاح‌طلبان نامزد نداشتند اما فراکسیون تشکیل می‌دهند!

در حالی که دروغ کاندیدا نداشتن در انتخابات، ورد زبان اصلاح‌طلبان بود، لیستی ۱۶۵ نفره از نامزدهای اصلاح‌طلب که به رغم همه محدودیت‌های لیدرهای اصلاحات برای آنان، در انتخابات کاندیدا شده بودند، منتشر شد.

حالا هم دلیل دیگری بر دروغ‌گویی آنان عیان شده است. غلام‌رضا نوری قزلباش، رئیس فراکسیون مستقلین مجلس یازدهم گفته که، مجموع نامیند گانی که به صورت مستقل در انتخابات حضور پیدا کردند و نامزد شدند و آنهایی که مورد حمایت احزاب معتدل و برخی از احزاب اصلاح‌طلب فعال بودند، در این مرحله حدود ۸۰ نفر می‌شود و ما امیدواریم که با برگزاری مرحله دوم انتخابات در حوزه‌های باقیمانده این عدد نزدیک به ۱۰۰ نفر برسد | **صفحه ۲**

یادداشت سیاسی
حسین عبداللهی‌فر

اهمیت مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی

درحالی که کمتر از سه روز دیگر به برگزاری مرحله دوم دوازدهمین دورز انتخابات مجلس باقی مانده است، هنوز فضای عمومی و رسانه‌ای کشور رنگ و بوی انتخاباتی به خود نگرفته است. اگرچه علل و عوامل زیادی در پیدایی این وضعیت مؤثرند لکن علت اساسی آن را باید در نگاه حاشیه‌ای جامعه به مرحله دوم انتخابات‌ها و کم اهمیت جلوه دادن آن از سوی رسانه‌ها و خبرنگان جست‌وجو کرد. ویزه برآورد، آنکه راهبرداصلی دشمنان انقلاب اسلامی در قبال انتخابات مجلس دوازدهم دل‌سردساری مردم‌برای حضور و تحریم صندوق‌های رأی است. | **صفحه ۲**

آخرین خبر

موافقت حماس با پیشنهاد آتش‌بس مصر و قطر

رئیس دفتر سیاسی حماس شب گذشته در تماس تلفنی با وزیر خارجه قطر و وزیر اطلاعات مصر، موافقت این جنبش را با پیشنهاد آتش‌بس در غزه اعلام کرد.

اسماعیل هنیه، در گفت‌وگو با «محمد بن عبد الرحمن آل ثانی» وزیر خارجه قطر و «عباس کامل» وزیر اطلاعات مصر، موافقت این جنبش را دربراره پیشنهاد آتش‌بس در غزه به آنان ابلاغ کرد و گفت که اکنون منتظر پاسخ اسرائیل خواهیم بود.

جزئیات بیشتر در لحظه تنظیم این خبر درباره موافقت حماس منتشر نشده ولی یک مقام حماس گفته که امریکا قول داده آتش‌بس دائمی شود. رادیو ارتش رژیم صهیونیستی

هم گفت که طرحی که حماس پذیرفته، طرح تعدیل صلح مصر است که معلوم نیست مورد تأیید تل آویو باشد.

همچنین عصر دیروز یک گفت‌وگوی نیم ساعته میان پادین و نتانیاهو انجام شد که محتوای آن علنی نشده ولی احتمالاً درباره تصمیم کابینه رژیم صهیونیستی درباره حمله به رفح بوده است. یک منبع در جنبش حماس پیش از این خبر داده بود که مذاکرات غیر مستقیم با اسرائیل را به حالت «علیق» درآورده است. به گفته این منبع، حماس پس از رابزینی با سایر گروه‌های مقاومت، تصمیم گرفت این مذاکرات را به حالت تعلیق در آورد و به همین دلیل، بازگشت هیئت مذاکره‌کننده به قاهره هم به تعویق افتاد. وی با بیان اینکه حماس منتظر نتایج تلاش‌های واسطه‌ها خواهد ماند، خبر داد: طرف مصری، با حماس تماس گرفته و خواستار عدم تنش نظامی و اعطای زمان برای مهار این بحران شد.

آقای عباس عبیدی در یکی دیگر از گفت‌گوهای تله‌ویزیونی خود در واکنش به یادداشت «جوان» با عنوان «چرا اصلاح‌طلبان باطن خود را به گردن نمی‌گیرند؟» که قبلاً خودش خلاف این ادعا حرف زده بود، عمیابیت خودش را دروقلمو شدن با مهدی نصری بر سر روزنامه جوان خالی کرده است.

عبیدی ادعا کرده «آقای نصری هیچ نسبیتی با اصلاح‌طلبی بسه عنوان یک مجموعه‌ای با پیشینه‌ای فکری و سیاسی نداشته و هنوز هم به لحاظ مبانی فکری به مجموعه اصولگرایان نزدیک‌تر است.» و بعد با توهین به روزنامه جوان که «آی کیو در اندازه گنجشک هم نیست» می‌گوید بهتر بود توجیه و اصرار می‌کردید که نصری سلطنت‌طلب نیست، نه اینکه به‌جای توجیه نصری «مجموعه اصلی انقلاب اصلاح‌طلبان» که بسیار فراتر از کل اصولگرایان هستند، رانیز باطن شلشنی می‌کنید، و نصری را باطن آنها می‌ناید.»

آقای عبیدی وسط دعوا نرخ تعیین کرده و گفته است «ما اصلاح‌طلبان مجموعه اصلی انقلاب هستیم.» این چه مجموعه اصلی است که خود آقای عبیدی سال گذشته در گفت‌وگویی با روزنامه شرق (به نواب در مناسبت‌های دیگری به‌قفلان پایگاه‌اجتماعی اصلاح‌طلبان اعتراف کرده‌وی می‌گوید: «آنچه موجب می‌شود مردم به اصلاح‌طلبان توجه نکنند، این است که حرف آنها ملبه‌آزای عینی ندارد. بر‌خلاف ۹۶ که وعده حذف تحریم‌ها را دادند - و اگر می‌بینیم سیاست‌های اصلاح‌طلبان هنوز برسد نیست یک دلیلش این است که مردم به نوستالوژی‌ها رجوع می‌کنند و چون این اصلاح‌طلبان بودند که در اصل انقلاب و در اشغال سفارت وحتی جنگ حضور داشتند، این نوستالوژی مشکل اصلاح‌طلبان می‌شود.» یعنی بدون پایگاه اجتماعی و بدون توجه مردم، هنوز مجموعه اصلی انقلاب هستند؟ یعنی این عنوان «مجموعه‌اصلی‌بودن» ذاتی و فطری شمامست و هیچ چیز حتی ریگ‌زدانی مردم از شما هم نمی‌تواند آن را از شما پس بگیرد؟! وقتی آوازه گوش‌خراش توتالیتاریسم و انحسار گرایی و دیکتاتوری که سسر می‌دهد، نکند مقابل آینه جناح‌اصلاح‌طلبی ایستاده‌اید و آواز سر می‌دهید؟! کجای دمو کراسی می‌گوید شما هم می‌توانید پایگاه‌اجتماعی نداشته باشید و مردم به شما توجه نکنند، و هم در همان لحظه و زمان، مجموعه اصلی یک نظام باشید؟!

آقای عبیدی حتی به یکی از استدلال‌های یادداشت روزنامه جوان پاسخ نداده است. ما در آن یادداشت به ذکر نمونه‌هایی مشخص از دورزنامه که آقای

عبیدی سرمقاله‌نویس هر دو است یعنی اعتماد و هم‌مپن اشاره کردیم و نوشتیم یادداشت‌های نصری در گذر نگاه تلگرامی اش در گذر نگاه تلگرامی «هم‌مپن» پوشش داده می‌شود و نوشته‌هایی از نصری که خطاب آنها به اصولگرایان و تقیح و تمسخر اصولگرایان است با آ‌ب‌نواب در این رسانه منتشر می‌شود. آیا این به‌معنای احساس نزدیکی با او نیست؟ آیا به این معنا نیست که بر خلاف ادعای عبیدی که نصری را «هنوز هم به لحاظ مبانی فکری و به مجموعه اصولگرایان نزدیک‌تر» می‌داند، او اتفاقاً در دل اصلاح‌طلبان نشسته‌است و اکنون هیچ نسبیتی با اصولگرایان ندارد؟!

روزنامه جوان استدلال کرده است که وقتی روزنامه اعتماد با سرمقاله‌های هرروزه از عبیدی با همین آقای نصری به عنوان «مهدی نصری، روزنامه‌نگار، نواندیش دینی و فعال سیاسی» مصاحبه می‌کند و آب بر آتش ماجرای مهسا می‌ریزد، آیا می‌تواند اکنون که نصری از «اتحاد راهزواره در تاج‌زاده» حرف زده است، یکباره آشفته‌حال و پریشان‌حواله به میدان بیایند و بگویند «ما هیچ نسبیتی با نصری نداریم»؟! چرا به این استدلال پاسخ نمی‌دهید!

آقای عبیدی به‌جای استدلال و پاسخگویی به این صداییق که هیچ جوابی برای آن ندارد که اگر ادعای نویسنده درستی باشد، آیا یک لحظه پیش خود فکر کرده «فرض کنیم که ادعای نویسنده درست باشد، آیا یک لحظه پیش خود فکر کرده است که اگر اصلاح‌طلبان هم سلطنت‌طلب شده‌باشند، حتماً افراد با گرایش‌های فراتر از اصلاح‌طلبی هم شده‌اند، پس چه کسی برای سیاست‌رسمی می‌ماند؟» معلوم است که «جوان» قصد نداشته بگوید اصلاح‌طلبان سلطنت‌طلب شده‌اند اما در منش اصلاح‌طلبان برای «لگد زدن به جمهوری اسلامی» و فرصت‌طلبی از وجود امثال نصری برای این منظور، بحثی باقی نمی‌ماند. غیر از آن همه گفت‌وگو‌ی اصلاح‌طلبان با نصری به عنوان متفکر دینی و استاد و چهره و سنت‌گرای نواندیش (منقول در نوشته محمد عطر بانفر)، رجوع کنید به سخنان پرهزاد نبوی در گفت‌وگو با محمد قوچانی در سال گذشته که گفت با آشوب ۱۴۰۱ «برخی مجموعه‌های اصلاح‌طلب» که «هری بی‌چگانه» داشتند و «لوچ» بودند، گمان کردند که کار نظام تمام است و می‌خواستند سرشان بدون کلاه نماند!

حج امسال

یعنی برائت از دشمن صهیونیستی و امریکا

رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران حج و جمعی از زائران بیت‌الله‌الحرام:

از ابتدای انقلاب، برائت یک رکن جاری در حج بوده است اما امسال و با توجه به حوادث عظیم و عجیب غزه که بیش از همیشه چهره خون آشام مجموعه برخاسته از تمدن غربی را آشکار کرده است، حج امسال به صورت ویژه حج برائت است. | صفحه ۲



آیا آن جریان آشوب ۱۴۰۱ غیر از رضا پهلوی و دوست‌دختر تام کروز و گلشیفته فراهانی و علی کریمی، رهبر دیگری داشت؟! اگر آن مجموعه‌های اصلاح‌طلبی طبق ادعا و نظر یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین اصلاح‌طلبان می‌خواستند از خون نغمتی که آشوبی به رهبری شاهزاده پهن کرده است، سرشان بی‌کلاه نماند، آیا نمی‌توان حدس زد که وقتی نصری به دیدار خاتمی و دیگری از اصلاح‌طلبان می‌رفته و با روزنامه‌های عباس عبیدی مصاحبه می‌کرده، مظنه و زیربان آنان را شنیده‌است که لگد به جمهوری اسلامی حتی از شاهزاده هم خوب است و حالا آن را رادر کلندا فریاد می‌زند؟! آیا از همین جریان‌های اصلاح‌طلب قبل از نظریه «اتحاد شاهزاده با تاج‌زاده»، نظر به همسو و مشابه «از سرش تا گوش» بیرون نیامد؟! از چه می‌گریزید و از چه می‌ترسید که همه با هم نصری را تکذیب می‌کنید و او را نادان و متوهم و بی‌تعادل می‌نامید؟ آقای عبیدی وقتی شما در «هم‌مپن» هر روز سرمقاله دارید، و صاحب‌امتیاز روزنامه آقای کراسچی هم نصری را نامتعالل می‌نامد، آیا نمی‌توانستید خیلیا بگویید حرف‌های این نامتعالل را در گذر گاده‌ای مربوط به این مجموعه، رسانه‌ای منتشر نکنند؟!

آقای عبیدی اش‌ما صاحب‌نظر به مشتمع «توسعه‌یاب‌رسمان‌ها در دولت سیزدهم برای گام بعدی یعنی تبلیغ مایه لا‌ج‌آمده» هشتید و این‌جنین آسمان رسمان می‌فاید. افتخار می‌کنید که سال ماسبت در خانه تلویزیون ندارید و نخردید! اما بارها به تقدیرنامه‌های تلویزیون می‌پرزاید. چرا با خودت‌دان و رفیقان نازی‌آبادی‌تان را یکجا «همه اصلاحات» فرض کرده‌اید. در جایگاه یک جامعه‌شناس متعهد، به زنان بی‌حجاب پیام تلویحی می‌دهید که می‌توانند پلیس را مجل کنند! در تحقیری ملی، از سر گرفتن روابط با مسعودی راز انچاری می‌نمایند نه از موضع قدرت، تلاش می‌کنید عملیات تروریستی کرمان را به داعش نسبت دهید نه به اسرائیل، جشن مردم در غدیر را با اسخیف‌ترین نوع فکر و خیال «تلاش برای تداوم دین و مناسک دولتی با توزیع اقلام و از بودجه عمومی» می‌نامید، بارها گفته‌اید به نوشته‌هایی که با توهین به شما جواب می‌دهند، پاسخ نمی‌دهید! اما اکنون در یک یادداشت پر از مغالطه، روزنامه جوان را بی‌عقل و ریاکار و بی‌صداقت و دارای مغزی به اندازه گنجشک می‌نامید، بارها و بارها منطق و استواری اندیشه خود را فدای ضرب‌ه‌زدن و تخریب حکومت می‌کنید و حالاً واقعاً جز انبندید در تحلیل جدید شما پادیده تردید نگریست؟

ایبار جناب عبیدی صورت‌بندی شمشعی می‌کند که باید برای نگاهداشت آن، موزه علوم سیاسی تأسیس کرد! او اصولگرایان را دست‌بالا و بازفاق ۱۵ درصد می‌داند که آن هم «جزو بخش‌های ضعف‌تف و کبائت‌تر» هستند. بعد تلویحاً نتیجه می‌گیرد که خودشان یعنی اصلاح‌طلب‌ها ۸۵ درصد جامعه هستند. وسپس به این پایان‌بندی می‌رسد که وقتی روزنامه جوان نصری را باطن اصلاح‌طلبان می‌داند و به اتحاد با شاهزاده اشاره می‌کند، یعنی ۸۵ درصد جامعه را به سلطنت‌طلبی هل داده است! این وهمیات واقعاً؟ کسسی غیر از ایشان بزمنی آید. که چند ماه پیش بگوید مردم به ما توجه نمی‌کنند و حالا بگوید ما ۸۵ درصدیم، این هم چون اصولگرایان ۱۵ درصدند! انگار خودچی و کشمش تقسیم می‌کنند. بقالی‌ها هم این‌طور تحلیل و تجزیه و تقسیم نمی‌کنند. این حرف‌ها واقعاً باید در حافظه تاریخی این مردم بماند.

عبیدی می‌گوید جناح حاکم باید درباره نصری موضع می‌گرفت! چرا جناح حاکم؟! او چه نسبتی با جناح حاکم (اگر عنوان درستی باشد) دارد؟ نصری جوانی بود پرشور و شور و مصداق بارز «جاهل را نمی‌بینی مگر در یکی از دو حالت افراط یا تفریط» و منصوب شهید شاهچراغی مدیر مسئول وقت کیهان در زمانی که سیدمحمد خاتمی سرپرست کیهان بود طبق تصریح و افتخار خود که «سوسال با افتخار آقای خاتمی کار کردم»، دست‌پرده شما بود و اگر آنچه شما تلویحاً نظام می‌نماید او را برای مدیرمسئولی کیهان تأیید کرد، با معرفی رفیق شما بود. دو ماه بعد از روی کار آمدن مدیر مسئول فعلی کیهان، از کیهان رفت. مدتی بعد مقاله‌ای نوشت که «هر کس فلسفه بخواند، دست‌آبق است.» نه به امام، نه به علامه طباطبایی، و نه به شهید مطهری، به هیچ یک رحم نکرد. سال‌هاست که لغو جاجات فکری او راهیج کس جز لگد کوبیان به‌نظام تحویل نمی‌گیرد. نظام کجای کار اوبود که باید پاسخگو باشد. اصلاً او چه کسی هست؟ چطور او را از خود دور می‌کنید و به‌نظام می‌چسبانید در حالی که خود نوشته‌است «من در اولین رأی گیری زندگیا م به سیدمحمد خاتمی رأی دادم و همیشه به اصلاحات به جای انقلاب «به اشتباه» معتقد بودم. در دور بعد از خاتمی نامید شدم، برای ندادم و حاصل آن فاجعه‌های به اسم احمدی‌نژاد بودم و آمد و دور دوم به مهندس موسوی رأی دادم که همه می‌دانیم که رأی‌ها چه شد! باز هم به روحانی رأی دادم برای آزادی موسوی، برای بر گشتن عقابیتش برای سوسی امیدی که برای خود می‌ساختم! بعد از آنان

۹۸ یا یک فرمول ساده، واقعیت را یافتیم: هر چیزی حتی وضعیت آب‌وهوایی که این حاکمیت گفته صدر صد بر عکس و دروغ است. مثال: اگر از عزت مردم ایران سخن گفتند، حتماً کمر به نابودی مردم بسته‌اند.» چنین موجودی چه نسبیتی با نظام دارد که نظام باید پاسخگوی اعمال و گفتار او باشد؟! اگر او از شما و بیانی‌نویس شما نیست، چرا او را در ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ دقیقاً یکسال پیش به دیدار خصوصی خاتمی بردید؟! «دیروز به دیدار خصوصی سیدمحمد خاتمی رفتم. خبرش این میزان از استنبداد و اهانت به آزادی انسانی خود رضایت‌مند... در شورای اسریدری روزنامه موافقت کرد... در این دیدار در این باره که همگی چه اشتباهاتی پس از انقلاب بر تکب شدم گفت‌وگو کردیم... در دیدار دیروز که با حضور دوست عزیزم آقای دکتر هادی خانیکی صورت گرفت، برای خاتمی توضیح دادم که در تغییر من، سه مبنای معرفتی، نقشی بسیار مهم داشت... در دیدار دیروز مرتب به این می‌اندیشیدم که یکی از ادله لا‌اقل نمادین برای عبور از ج.ا.حصر شخصیتی چون خاتمی باشد که میجاز به خطبه‌مقدخواندن برای دختر و پسر شورایعالی امنیت ملی کشور هم نباشد! آن دبیر هم نتواند کاری از پیش ببرد و بی‌فئذش این میزان از استنبداد و اهانت به آزادی انسانی خود رضایت‌مند»

یازروا برده‌اید پیش خاتمی، خصوصی و مانند یک توبه‌کار که پیش کشیش اعتراف می‌کنند معلوم نیست (ولیکه هست) که در گوش او چه نوحاها کرده‌اید. این حرف‌هایی وقتی که ترتیب داده می‌شد، او نامتعالل (به تعبیر کراسچی) و متوهم (به تعبیر رئیس دفتر همین آقای خاتمی) نبود؟! چه چیزی به او خوردندید که او از آن جلسه صریح‌ترین توهین‌های بی‌شرانه خود را حواله نظام کروز از گذشته خود نتدرت شد؟! چرا باید نظام پاسخگوی او باشد وقتی جلسات خصوصی‌اش را با شما بر گزار می‌کند؟ چه چیزی به او ظرفیتی در او دیدید که او را بار دادید؟! مشکل ما نصری نیست، حتی مشکلی با آنچه در کانا یا هر جای دیگری گفته و پس از این بگوید نداریم و مشخص است که درباره او درست فکر می‌کردیم و الان شما با انگار و تکذیب‌ها و نشان می‌دهید که او چه جایگاهی دارد. مطلب در نقد او، در همین روزنامه‌های به زعم شما اصولگرا پیدا می‌کنید؟! نقدی اگر امروز وارد است و به هجوم سراسیمه تکذیبی‌های شامست آنچه ما انگران کرده سلامتی شملت که با اتحاد با شاهزاده آن را در خطر می‌بینید. نیجه ابروو پایگاهی ارام که سال‌هاست با تبلیغ و تکثیر مبنای مردم‌سالاری دینی (نظریه ابداعی خاتمی، هر چند آن‌لاشچیمان است) و دموکراسی غربی به دست آورده بودند، اکنون در کنار شاهزاده، در دست‌رفته می‌بینید.

شما به صد دلیل روشن و آشکار از «فرصت نصری» استفاده کردید. او را به دیدار خاتمی بردید. تاج‌زاده در مرضی، او را به شماها سفارش کرد. نمی‌توانید اکنون او را چنین بی‌رحمانه و خصمانه از خود برانید. او «ذات عینیت یافته‌است، شامتست گمان می‌کرد نزد شما می‌تواند ارج و اجری پیدا کند. نوری‌از تیز همین گمان را داشت! او افراطی‌ترین حرف‌ها را علیه اصلاح‌طلبان می‌زد. هر روز نینچ‌ایلاغه با صحیفه را در دست می‌گرفت و برای روزنامه‌های مخالف اصلاح‌طلبان خودشیرینی می‌کرد که «ببینید علیه اصلاح‌طلبان چه چیزی پیدا کردم!» و بعد آمد به در خانه شما دخیل ببندد! چه توهمی! نامردمی! شما را نمی‌دانست! او هم کار نظام را تمام‌شده می‌دانست و دنبال کلاهی نزد شما بود. همان‌طور که به اذعان شخص شخیص نبوی شما هم دنبال کلاهی از شاهزاده، رهبر آشوب‌طلبان پاییزی بودید. همین‌قدر که همین رئیس دفتر خاتمی برای شستن آن دیدار خاتمی و نصری) و کراسچی و شما و دیگران به میدان آمدید که بگوید نصری از ما نیست، خود گواهی است بر اینکه «هست!» مانند آن بجه‌ای که ظرف شیر را می‌ریزد و بدون اینکه مادرش او را متهم کند، بی‌حریب می‌گوید «من بریختم!»

مسئله روشن است. خیلی خیلی روشن. عباس عبیدی و بسا اصلاح‌طلبان دیگر، سلطنت‌طلب نیستند و کسی هم چنین ادعایی نکرد. اما نصری را تبلیغ و تأیید می‌کردند و او را یک ظرفیت بالفعل شده می‌دیدند. با کارها داشتند. اما خوب بود گوش او نکرده بودند که دورویی و ریاکاری سیاسی را چگونه پیش ببرد. و حالا نصری از برخی شبهاتی که اصلاح‌طلبان در دل او افکندند، نظریه «اتحاد اصلاح‌طلبان با شاهزاده» را در خارج از کشور داده است. این را حل کنید و این قدر فکر و خیال بنفاید. نگویید که او نامتعالل است که کسسی از شما نمی‌پذیرد وقتی با نامتعالل‌ها فالوده می‌خورد! او اتفاقاً نامتعالل نیست، دقیقاً تازوی شناخت‌شناسی اصلاح‌طلبان است. یک افراطی اعوجاجی و ریاکار که نمی‌توان از روی نوشته‌ها و گفته‌ها و واقعیت او شناخت، که با بر سر دیوار سفارت است یا برای سفارت قمر می‌خرد و آینه و تیز نامعلوم است و مشخص نیست که باز بر سر دیوار می‌رود یا باز آن سوی دیوار می‌پرد

آخرین خبر

موافقت حماس با پیشنهاد آتش‌بس مصر و قطر

رئیس اقلیم کردستان عراق:



اگر انقلاب اسلامی نبود معلوم نبود کردها چه سرنوشتی پیدا می‌کردند

جیش الظلم به سفره مردم بلوچ شلیک می‌کند

گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با احسان هوشمند، پژوهشگر مسائل اقوام در مورد مصائب

سیستان و بلوچستان و مخالفت جیش الظلم با توسعه مکران

صفحات ۸ و ۹



رفتن در مسیر حاج قاسمی شدن



رفتند در مسیر حاج قاسمی شدن

مغری خیل فرهنگ! خبرنگار گروه بانار و مقابست

لحظاتی بعد از حادثه تروریستی گلزار شهدای کرمان، خبر تلخ و جانسوزی به او رسید. او در یک لحظه خبر شهادت همسرش نجمه کدخدا همت‌آبادی و دخترانش فاطمه و محروحیت شدید فائزه نظری کدخدای و بعد هم شهادتش را شنید. نشستن پای حرف‌های عبدالرضا خود اقدامی بزرگ در راستای خالی کردن دیواره فرهنگ زندگی‌اش را از دست داد. کار راحتی نبود

سرکیسه ارز وارداتی باز هم شل شد!

برنج و روغن هم در وضعیت نامطلوب ارزی و به دنبال آن تشدید تورم و شکست بانک مرکزی در کنترل تورم به فهرست واردات با دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی اضافه شد! این وضعیت در شرایطی که شاهد تشدید واردات کالاهای اساسی و محدودیت ارزی هستیم، خود اقدامی بزرگ در راستای خالی کردن دیواره فرهنگ راهبردی ارزی کشور است، گمان اینکه تخصیص ارز حاصل از واردات نفت خام به کالاهای اساسی در حالی که باید فناوری جایگزین آن شود، خود مسئله‌ای مجزا و بسیار طولیل است

نگاه برخی جریان‌ها به نهضت ترجمه معکوس است

مصطفی‌شاه‌کمرب خیرنگار گروه فرهنگ

محمدعلی نباتی، مدیر غرقه انتشارات چمکران در سی و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در گفت‌وگو با «جوان»، در حوزه ترجمه چون قانون کیبی‌رابت رعایت نمی‌شود نسبت به تولید اثر در داخل مقرون به‌صرفه‌تر است، ولی آسیب‌های زیادی به دنبال خود ایجاد می‌کند. مطمئناً ترجمه آثار جدی دیگران و دیدن و شنیدن تولیدات دیگر کشورها با درکی نیست و خیلی هم خوب است، منتها فقط در حد آشنایی با ادبیات و فرهنگ دیگر کشورها یا پیش سطح فرهنگ و ادبی آنها.